

نام کتاب : فرهنگ آپارتمان نشینی و برخورد با همسایه



نویسنده : فاطمه آذر مهر

فرهنگ آپارتمان نشینی و برخورد با همسایه

مقدمه

در این پژوهش با توجه به اهمیت روابط همسایگان با یکدیگر و رعایت حقوق آنها از سوی یکدیگر تلاش کردیم به پاره ای از حقوق همسایگان از لسان روایات اشاره کرده و با بیان چگونگی روابط کنونی همسایگان در دنیای امروز به نقاط قوت و ضعف آن اشاره کنیم. و آنچه که موجب قوت بیشتر نقاط مثبت میشود بیان کرده و شیوه های از بین بردن نقاط منفی روابط همسایگان را به صورت کاربردی با استفاده از روایات و تجربیات شخصی بیان کنیم. در این تحقیق از شیوه موردی و کتابخانه ای استفاده شده است و در روش کتابخانه ای از منابع معتبر روایی سود جسته ایم.

در برخی از موارد تجربیات شخصی و مشاهدات عینی در تحقیق ذکر شده است. امید است با مطالعه این مجموعه کوچک انگیزه ای پیدا کنیم تا به صورت گسترده تر پیرامون مسأله مهم همسایه و حقوق آن به پژوهش پرداخته و عملاً به رعایت حقوق یکدیگر مبادرت کنیم. از آنجایی که همسایگان حق بزرگی بر گردن ما دارند از خداوند می خواهیم ما را در ادای این

حقوق ياري کند تا انشاءالله با اعمال نیکو در سراي باقي در کنار همسايگان خدا جايگاهي بياييم چنانکه مولا علي عليه السلام ميفرمايد :

«فبادروا باعمالکم تکنونوا مع جيران الله في داره رافق راسله و ازارهم ملائکته و اکرم اسماعهم ان تسمع حسیس نار ابداء صان اجسادهم ان تلقی لغوبا ونصبا و ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم»⁽¹⁾

پس با اعمالتان بشتابید که در کنار همسایگان خدای و در سراي خاص او جایگاهی بیابید سראیی که دیدار کنندگان ساکنانش پیامبران دوستان و فرشتگان خدایند و خداوند گوشه‌ایشان را ارجی فراتر از آن داده است که با زوزه آتش آزرده شوند و بدنهایشان را نیز از هر سختی و رنجی مصون داشته است و... این امتیاز خدایی است که به هر که خواهد ارزانی دارد و خدای را برترین عظمت باشد

فرهنگ برخورد با همسایه در اسلام

فرهنگ

واژه فرهنگ در فارسی معادل کلمه "ثقافة" در عربی و culture در انگلیسی است. در علوم انسانی کمتر واژه ای را میتوان یافت که در معنای آن وفاقی وجود داشته باشد واژه فرهنگ نیز چنین است .

معنای لغوی :

این کلمه در اصل به معنای کشت و کار و پرورش جسمی بوده است که در برخی اصطلاحات و ترکیبات نیز هنوز در همین معنا به کار میرود . در زبان فارسی فرهنگ گر چه کلمه ای مرکب از فر به معنای (لوز بزرگی و شرکت) و هنگ به معنای (سنگینی و وقار قصد و اراده آهنگ کاری و چیزی را کردن قوم و قبیله فوج سیاه) میباشد . اما به شکل مرکب آن در معنای دیگری همچون دانش و فرزاندگی خرد و عقل سلیم تدبیر و سنجیدگی کتاب لغت ادب و اخلاق و آموزش و پرورش آمده است . شاید آنچه در معنای فارسی بیشتر از این واژه مراد میشود همین دو معنای اخیر است . با فرهنگ در زبان رایج مردم ما بیانگر کسی است که آشنا به مبادی اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی و خوش مشرب است اهل ارتباطات اجتماعی مناسب است و کسی که چنین ویژگی ای ندارد بی فرهنگ خوانده میشود .

معنای اصطلاحی :

فرهنگ مجموعه ای از هنجارها، قوانین و عادات، آداب و رسوم، عقاید و باورها و ارزشها و الگوهای ارتباطی و نیز امور مادی ارزشمند و معقول يك جامعه است که افکار احساسات و رفتار اعضای آن اجتماع را شکل میدهد و یا به نوعی تحت تأثیر قرار میدهد .

عناصر فرهنگ

استخراج عناصر فرهنگ و تبیین آنها گذشته از آنکه ما را بیش از پیش با مفهوم فرهنگ آشنا می‌سازد و در تبیین کارکردهای آن نیز مؤثر است. علاوه بر این دارای کاربرد علمی نیز می‌باشد و در برنامه ریزی برای حفظ تثبیت و ترویج فرهنگ نیز مدیران فرهنگی را مدد می‌رساند مهمترین عناصر فرهنگ عبارتند از:

الف) هنجارها :

هنجار به معنای معیار و الگو می‌باشد. هنجارها نه تنها تعیین کنند ه نوع رفتارهایی هستند که در شرایط خاصی باید انجام شود یا نباید انجام شود بلکه بر اساس هنجارها میتوان رفتارها ی افراد را در موقعیتهای زمانی و مکانی مختلف پیش بینی کرد. هنجارها گاهی الزامی است مانند رعایت جان و مال دیگران. گاهی مرجع است مانند پرهیز از خلف وعده و گاهی مجاز است مانند نحوه معاشرت با اعضای خانواده. هنجارها شامل شیوه های قومی یا عادات روزانه و آداب و رسوم اخلاقی می‌باشد.

ب) ارزشها:

ارزش عبارت است از بار معنایی خاصی که انسان به برخی اعمال پاره ای حالتها و بعضی پدیده ها نسبت میدهد و برای آن در زندگی خود جایگاه و اهمیت ویژه ای قائل است.

ج) عقاید و باورها

ویژگی های فرهنگ:

یکی از فواید شناخت این ویژگیها این است که میتوان بواسطه آن امور فرهنگی را از امور غیر فرهنگی تمیز داد. از سویی دیگر با شناخت این ویژگیها با راههای ترویج و تثبیت و انتقال فرهنگ آشناتر خواهیم شد.

الف) پذیرش اجتماعی

زمانی يك فرهنگ تحقق پیدا میکند که راجع به همان موضوع خاص مورد پذیرش و مقبولیت اجتماعی قرار گرفته باشد در واقع از سد مقبولیت فردی گذشته باشد. بسیار امور مقدسی هستند که نزدیک فرد مقبولیت دارند اما زمانی این امور به شکل فرهنگ در می آید که به مقبولیت اجتماعی نیز برسد.

ب) اکتسابی بودن

فرهنگ چیزی نیست که از طریق وراثت وژن به افراد منتقل شود بلکه فرهنگ يك امر اکتسابی است و در قالب تعلیم و تربیت فراگرفته میشود.

ج) تحول پذیری

عوامل مؤثر در فرهنگ

مقصود از عوامل مؤثر در فرهنگ عواملی است که از يك سو ممكن است باعث پویایی و باروری و تثبیت يك فرهنگ گردد و از سوي دیگر ممكن است تضعیف و انحطاط يك فرهنگ را به دنبال داشته باشد که این عوامل را به سه دسته تقسیم میکنیم .

الف. عوامل ذاتي

قبلا گفتیم که فرهنگ از عناصری تشکیل شده است. در واقع يك فرهنگ برای اینکه از لحاظ مقبولیت افزایش یا کاهش داشته باشد و همچنین شدت و ضعف مربوط به عناصر آن و نحوه ارتباط و انسجام آنها با یکدیگر میباشد .

هماهنگی عناصر تشکیل دهنده

اگر عناصر فرهنگ از جمله هنجارها ارزشها و عقاید و باورها با یکدیگر هماهنگی بیشتری داشته باشند درجه قوت و کارآمدی آنها نیز بیشتر خواهد شد. ولی اگر به عنوان مثال هنجارها در جامعه به صورت الزامی یا توصیه ای مطرح باشند اما عقاید و ارزشها با آن هماهنگ نباشد رعایت آزادانه هنجارها نیز تضمین نمیشود .

درجه قوت عناصر فرهنگ

هر میزان که عناصر فرهنگ از قوت بیشتری برخوردار باشند تأثیر پذیری آنها از عوامل مخرب کاهش پیدا میکند .

انعطاف پذیری و پاسخگویی به نیازهای بشري

از آنجایی که انسان موجودی متغیر است و نیازهای او نیز ثابت نمیباشد لذا فرهنگ باید در مقاطع مختلف پاسخگویی نیازهای متغیر آدمی باشد در غیر این صورت تلاش برای تثبیت و یا ترویج آن راه به جایی نبرده و زمینه تحقیر فرهنگ و هضم شده آن در فرهنگهای بیگانه فراهم خواهد شد .

جذابیت و دلنشینی

عناصر فرهنگ از جمله عقاید و باورها و... باید جذاب و دلنشین باشند چرا که این عامل در تثبیت این عناصر و عمل به آنها تأثیر بسزایی دارد .

ب. عوامل دروني

فرایند جامعه پذیری

فرایند جامعه پذیری یا اجتماعی شدن عبارتست از جریانی که به برکت آن انسانی در طول دوران حیات خویش تمامی عناصر اجتماعی - فرهنگی محیط خود را فرامیگیرد و درونی میسازد و با ساخت شخصیت خود تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنا دار یگانه میسازد تا خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زیست نماید تطبیق دهد. عوامل مؤثر در جامعه

پذیري عبارتند از آموزش و پرورش ، تبلیغات ، نهادهای گوناگون از جمله خانواده مربیان و روحانیون صدا و سیما و...

نظارت و کنترل اجتماعی

با وجود فرایند جامعه پذیري امکان اینکه افراد برخی از عناصر فرهنگی را محترم شمارند و جود دارد لذا برای حل این مشکل باید از فرایند نظارت و کنترل اجتماعی مدد بگیریم. بخشی از این واکنشها همان مجازاتهای دولتی است که به شکل قضایی و یا اداری بسته به نوع رفتار افراد اعمال میشود. بخش دیگر این فرایند توسط آحاد و گروههای اجتماعی به اجراء میآید که در لسان روایات از آن تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد میشود.

فرهنگ همسایه داری در اسلام

خطوط کلی آداب معاشرت در اسلام

در دیدگاه اسلامی جامعه و روابط انسانی آن رنگ الهی به خود میگیرد و همه چیز در جهت نیل به هدف غایی آفرینش میباشد همان هدفی که کمال مطلوب اوست لذا جامعه برای انسان همانند صحنه آزمایشی میباشد که او میتواند در این صحنه با ایجاد روابط صحیح و انسانی به همنوعان خود صفات نیکویی را که مورد توجه و رضایت حق تعالی است در خود پرورش دهد و از سوی دیگر صفات ناپسند و رذایل اخلاقی را که موجب سقوط و انحطاط وجود ارزشمند اوست از وجود خویش پاک کند. آداب همنشینی با دیگران را میتوان در دو مرحله اندیشه و عمل خلاصه کرد:

الف. مرحله اندیشه

از دیدگاه اسلام روابط اجتماعی انسانها در مرحله اندیشه بر اصول خیر خواهی محبت و مودت ، حسن ظن و مانند آن مبتنی است یعنی مسلمانان باید صفحه اندیشه خود را نسبت به سایرین نیکو سازد. اندیشه خیر خواهی نصیحت دوستی و سعادت آنها را در سر داشته و از نقشه کشی و توطئه چینی بر ضرر آنان بپرهیزد.

امیر مؤمنان علیه السلام میفرماید:

"ان الله سبحانه يحب ان تكون نیت الانسان للناس جميله"

خدای سبحان دوست دارد که نیت انسان درباره همنوعانش نیکو باشد.

ب. مرحله عمل

اسلام در مرحله عمل برای تنظیم روابط اجتماعی انسانها آداب و وظایفی قرار داده و پایه آن را بر ایمان به خدا و تقویت روح فضیلت و انسانیت بنا نهاده است. تعالیم اسلام در این زمینه بقدری دقیق و هماهنگ با فطرت انسان است که اگر به آن عمل شود و معاشرتها رنگ انسانی الهی به خود گیرد سیمای زندگی عوض میشود بسیاری مایلند در ارتباط با همنوعان خویش

زندگی موفق داشته باشند ولی به جهت نا آگاهی از چگونگی آداب معاشرت و نیز عدم رعایت این آداب توانایی برقراری روابط مناسب و اسلامی را از دست میدهند و به ناچار منزوی میشوند. بنابراین شناخت این آداب در مرحله عمل و توانایی ایجاد ارتباط مناسب با قشرهای مختلف جامعه براساس بینش مکتبی از اهمیت بسیاری برخوردار است. خطوط کلی آداب معاشرت در مرحله عمل این است که انسان رفتار خود را با دیگران نیکو سازد. انصاف را رعایت کرده آنچه برای خود می پسندد برای دیگران نیز بپسندد و آنچه برای خود دوست نمیدارد برای دیگران نیز نپسندد. با آنان مدارا کند به امور آنان اهتمام ورزد به نفع آنها حرکت از تگ روی پرهیزد با آنها همکاری داشته باشد و...

امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام به بخشی از این خطوط کلی اشاره کرده میفرماید :

اجعل نفسك فيما بينك وبين غيرك فاحبب لغيرك ما تحب لنفسك و اكره له ما تكره لها و لا تظلم
كما لا تحب ان تظلم و احسن كما تحب ان يحسن اليك

خوشتن را میان خود و دیگران میزان قرار ده آنچه را برای خود میخواهی برای دیگران بخواه و آنچه را برای خود خوش نمیداری برای دیگران نیز خوش ندار. به کسی ستم نکن چنانکه دوست نداری به تو ستم شود و نیکی کن همانگونه که دوست داری به تو نیکن شود.

امام صادق علیه السلام در ترسیم آن خطوط کلی میفرماید :

خالطوا الناس و اتوهم و اعينوهم و لا تجانبوهم و قولوا لهم كما قال الله تعالى "وقولوا للناس حسنا"

با مردم بیامیزد و در اجتماعشان شرکت کنید و آنها را در کارها یاری نمایید منزوی نشوید و از جامعه کناره نگیرید و با آنان چنان سخن بگویید که خدا فرموده است. با مردم به خوبی سخن بگویید.

انتخاب خانه و اهمیت همسایگی

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله کیفیت رفتار همسایه ها را با یکدیگر تأمین سعادت و آسایش انسانها مؤثر میدانست و به یارانش توصیه میکرد تا در جایی مسکن گزینند که بتوانند از نعمت وجود همسایگان شایسته تری برخوردار شوند در حالی که امروزه شاهد هستیم که تنها چیزی که در انتخاب خانه به آن کم توجهی میشود مسأله همسایگان است. امروزه بیش از هر چیز ظاهر زیبایی مناظر مسافت آنها و مسائل کم اهمیت دیگر مد نظر افراد در انتخاب خانه میباشد که نتیجه آن نیز جز نا رضایتی و عدم آسایش چیز دیگری نخواهد بود. یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان پرسید ای رسول خدا تصمیم دارم خانه ای بخرم به نظر شما کدام محله را انتخاب کنم حضرت بدون آنکه محله خاصی را به او پیشنهاد کنند فرمودند "الجوار ثم الدار الرفیق ثم السفر" نخست همسایه سپس خانه نخست رفیق آنگاه سفر

همسایه بد

از آنجایی که انسان با همسایه خود سالها در يك محل زندگی میکند لذا ارتباط و بر خورد زیادی با او پیدا خواهد کرد که هر چقدر این برخوردها جنبه نیکوتری به خود بگیرد انسان آرامش و سکونت بیشتری خواهد داشت و بالعکس اگر همسایه او حقوق دیگران را رعایت نکند زندگی برای او سخت و آزار دهنده خواهد شد .

امام باقر علیه السلام میفرماید " من القواصم الفواقر التي تقصم الظهر جار السوء ان رأي حسنه اخفاها و ان رأي سيئه افشاها"

یکی از چیزهایی که کمر انسان را خرد میکند همسایه بد است که اگر خوبی ببیند پنهان میکند و اگر بدی ببیند افشاء میکند .

همانطو که در این حدیث ملاحظه شد یکی از امور مهم همسایه داری پنهان کردن سر و افشاء نیکیهاست که اگر مورد غفلت واقع شود بسیار آزار دهنده خواهد بود.

حرمت همسایه

اسلام برای همسایه حرمت زیادی قائل است تا جایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله در جایی میفرماید : حرمت همسایه آدمی مثل نفس اوست که باید به او ضرر نرساند و در جایی دیگر میفرماید "حرمت الجار علی الانسان کحرمت امه " احترام همسایه مانند احترام مادر بر انسان لازم است. لذا باید توجه داشته باشیم که با حفظ حقوق همسایه حرمت او را پاس بداریم .

تقسیم همسایه از لحاظ حقوق

همسایگی مقتضی حقوقی است. بالاتر از حقوق برادری. در اسلام همسایه تمام حقوقی را که يك مسلمان دارد با اضافاتی دارا میباشد. از پیامبر صلی الله علیه و اله روایت شده که همسایگان بر سه دسته اند :

۱. همسایه ای که يك حق دارد ۲. همسایه ای که دو حق دارد ۳. همسایه ای که سه حق دارد . همسایه ای که سه حق دارد همسایه مسلمانی است که فامیل هم باشد او يك حق همسایگی دارد . يك حق مسلمانی و يك حق خویشاوندی . همسایه ای که دو حق دارد همسایه ای است که فقط مسلمان باشد او يك حق همسایگی دارد و يك حق مسلمانی همسایه ای که يك حق دارد همسایه مشترك است .

حقوق همسایه

حقوق همسایگان در اسلام از دقت و تعداد زیادی برخوردار است در اینجا بابیان چند حدیث برخی از این حقوق را متذکر میشویم . در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله آمده است که : آیا میدانید حق همسایه چیست ؟ اینکه اگر یاری خواست یاری اش کنی و اگر طلب قرض کرد قرضش دهی و اگر تو را طلبید در پیش او حاضر باشی و اگر مریض شد عیادتش کنی و اگر مرد جنازه اش را تشییع کنی و اگر چیزی به او رسید تبریکش گویی و اگر مصیبتی به او رسید تسلیتش دهی و بدون اجازه او ساختمان خانه ات را از او بلندتر نکنی که راه باد را بر او ببندی

و هنگامي كه ميوه اي خريدي آن را به او هديه كن و اگر هديه نكردي در پنهان برايش ببر و آن را بوسيله فرزندت نفرست كه فرزند او را ناراحت كند و بوسيله بوي غذايت او را اذيت نكن مگر اينكه از آن غذا برايش مقداري ببري .

امام صادق عليه السلام ميفرمايد :

ليس منا من لم يحسن مجاوره من جاوره

از ما نيست كسي كه با همسايگانش خوش رفتار نباشد .

امام باقر عليه السلام ميفرمايد :

ما من اهل قريه يبيت و فيهم جائع ينظر الله اليهم يوم القيامة

در هر شهري كه در آن كسي گرسنه بخوابد اهل آن شهر در قيامت مورد توجه خدا نخواهد بود .

امام سجاد عليه السلام در رساله حقوق حق همسايه را بر ده قسم ميشمارند :

اما حق جارك فحفظه غائبا و اكرامه شاهدا و نصرته اذا كان مظلوما و لا تتبع له عوره فان علمت عليه سوءسترته عليه و ان علمت انه يقبل نصيحتك نصحته فيما بينك و بينه و لا تسلمه عند شدائده و تقبل عثراته و تغفر ذنبه و تعاشره معاشره كريمه

اما همسايه را بر تو ده حق است:

1. در غياش حقش را مراعات كني
2. در حضورش اكرامش نمايي
3. اگر مورد ظلم قرار گرفت ياريش دهی
4. در اسرار او تجسس نكني
5. زشتيهايش را پرده پوشي
6. اگر مطمئن شدي پذيرش نصيحت دارد او را در پنهان نصيحت كني در اموري كه به تو مربوط ميشود
7. در گرفتاريها او را به حال خود رها نكني
8. لغزشهايش را نديده بگيري
9. گناهانش را ببخشي
10. با او محترمانه معاشرت كني.

خلاصه حق همسايه اين است كه به او سلام كني با او صحبت طولاني نكني زياد از حالش سؤال نكني در مرض عيادتش كني در مصيبت تسليتش دهی در عزا با او شريك باشي در شادي تبريكش گويي و شركتت را در شادي او اظهار كني از لغزشهايش چشم پوشي از بام به امور پنهانش نگاه نكني اگر خواست شاخه اي بر ديوار بگذارد براو سخت نگيري در مسأله آب ناودان و خاكروبه ريختن در پشت ديوارش براو سخت نگيري راهش را تنگ نكني دقت

نکني که چه چیز به خانه میبرد آنچه از عوراتش منکشف میشود بر او بیوشانی و هنگامی که مصیبتی به او میرسد و زمین میخورد زیر بغلش را بگیري و او را بلند کنی و در غیبتش از مواظبت خانه اش غافل نشوی پنهانی به سخنانش گوش ندهی و از حرمتش چشم پبوشي و به خادمه او نظر نکنی و به فرزندش مهربانی کنی و او را در امر دین و دنیايش ارشادکنی .

امام سجاد علیه السلام در دعایی برای دوستان و همسایگانشان به تعدادی از حقوق همسایگان نسبت به یکدیگر اشاره میکنند :

اللهم صل علي محمد و اله و تولني في جبراني و موالى العارفين بحقنا و المناذرين لاعداننا بافضل ولايتك و وفقهم لاقامه سنتك و الاخذ بمحاسن ادبك في ارفاق ضعيفهم و سد خلتهم و عياده مريضهم و هدايه مسترشدهم و مناصحه مستشيرهم و تعهد قادمهم و كتمان اسرارهم و ستر عوراتهم و نصرت مظلومهم و حسن مواساتهم بالماعون و العود عليهم بالجده و الافضال و اعطاءمايجب لهم قبل السؤال و اجعلني اللهم اجزي بالاحسان مسينهم و اعرض بالتجاوز عن ظالمهم و استعمل حسن الظن في كافتهم و اتولي بالبر عامتهم و اغض بصري عنهم عه و الين جانبي لهم تواضعا و ارق علي اهل البلاءمنهم رحمه و اسرلهم بالغيب موده و احب بقاء النعمه عندهم نصحا و اوجب لهم ما اوجب لحامتي و ارعي لهم ما ارعي لخاصتي اللهم صل علي محمد و اله و ارزقني مثل ذلك منهم و اجعل لي اوفي الحظوظ فيما عندهم و زدهم بصيره في حقي و معرفه بفضلني حتي يسعدوا بي و اسعد بهم امين رب العالمين

بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا در رابطه با رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما معرفت دارند و با دشمنان ما در ستیزند به بهترین صورت یاری فرما و ایشان را برای بیادداشتن سنت خود و به کار گرفتن آداب نیکویت در ارفاق به ضعیفان و بر آوردن حاجت آنان و عیادت بیماران و هدایت راهجویان و خیر خواهی نسبت به مشورت کنندگان و دیدار نمودن از مسافران برگشته به وطن و پنهان داشتن راز مردم و پوشاندن عیوب خلق خدا و یاری دادن به ستمدیدگان و حین مواسات در مایحتاج زندگی با آنان و دریغ نورزیدن از پیشکش و بخشش فراوان و عطاکردن پیش از درخواست موفق فرما . با خدایا مرا توفیق ده که بد کاران را به احسان پاداش دهم و از ستمکارشان با گذشت و بخشش صرف نظر کنم و نسبت به همه آنها نیک گمان باشم و با همه آنان به نیکی رفتار کنم . و چشم از خطای آنان عفیانه ببوشم و از باب فروتنی با ایشان نرم باشم و بر بلا دیدگان آنان به آئین رحمت رقت آورم و در نبودشان دوستی و محبت خود را بر آنان ظاهر سازم و از سر اخلاص دل بسته دوام نعمت آنان باشم و هر چه را برای خویشان خود لازم میدانم در حق آنان لازم بدانم و آنچه را برای مخصوصان خود رعایت میکنم برای آنان نیز رعایت نمایم . خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و مرا نیز از طرف آنان رفتاری بدین صورت نصیب فرما و سهمی کاملتر از آنچه از خوبیها نزد آنان است برای من قرار ده و بصیرت آنان را در حق من و معرفتشان را به فضل من زیاد کن تا به وسیله من اهل سعادت شوند و من نیز به سبب آنان نیکبخت گردم خداوندا دعایم را مستجاب گردان .

حقوق مالی همسایه

روایت است که در روز قیامت همسایه فقیر چنگ زند بردامن همسایه غنی و گوید پروردگارا از او بپرس که چرا در بروی من بست و احسان خود را از من منع نمود چنین

نیست که حق همسایه همین است که او را اذیت نرسانی زیرا این مطلب اختصاص به همسایه ندارد بلکه حقی است که از برای همه ثابت است بلکه باید علاوه بر این با او به مهربانی و ملاطفت سلوک کرد و احسان خود را از او دریغ نداشت و آنچه به آن محتاج باشد و ما مالک آن باشیم از اومضایقه نکرده و او را مانند شریک در مال خود بدانیم .

ماعون چیست ؟

ماعون از ماده معن به معنی چیز کم است و بسیاری از مفسران معتقدند که منظور از آن در آنجا اشیاء جزئی است که مردم مخصوصا همسایه ها از یکدیگر به عنوان عاریه یا تملک میگیرند مانند مقداری نمک، آب، آتش (کبریت) ظروف و مانند اینها راوی عرض کرد که ما همسایگانی داریم که اگر چیزی به ایشان عاریه بدهیم میشکنند و ضایع میکنند در این صورت بر ما گناهی هست که به ایشان ندهیم فرمود هرگاه چنین باشد گناهی بر شما نیست اگر به ایشان ندهید . و در حدیث دیگر فرمود حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان .

من یمنع الماعون جاره منعه الله خیره یوم القیامه و وکله الی نفسه و من وکله الی نفسه فما اسوء حاله کسی که وسایل ضروری و کوچک را از همسایه اش دریغ دارد خداوند او را از خیر خود در قیامت منع میکند و او را به حال خود وامیگذارد و هرکس خدا او را به خود واگذارد چه بد حالی دارد .

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که منع نکنید قرض دادن خمیر و نان را و طلبیدن آتش را که این امور باعث زیادتی روزی میشود بر اهل خانه با آنکه از جمله مکارم اخلاق است و از حضرت امام باقر علیه السلام منقولست که زینهار که متعرض حقوق مشوید که بر خود لازم کنید و آنچه از خرجها که بر قبیله واقع میشود بدهید و مضایقه نکنید و اگر از قبیله شما کسی شما را تکلیفی کند که ضررش بر شما زیاده از نفعی باشد که به او میرسد قبول نکنید .

لزوم رازداری

زیستن طولانی افراد در یک محل به تدریج موجب میشود که همسایگان از اسرار یکدیگر مطلع شوند . از طرفی آشکار ساختن اسرار مردم و فاش کردن عیوب آنان در نزد این و آن کار ناپسندی میباشد و مؤمن نباید در کار دیگران تجسس کند و دنبال یافتن عیب آنان باشد و اگر برحسب اتفاق بر رازی آگاه شد باید آن را مخفی کند و مصداق این مثل که خدا میبیند و میپوشد همسایه ندیده میخروشد نباشد .

امام سجاد علیه السلام یکی از حقوق همسایه هارا بر یکدیگر رازداری دانسته و میفرماید فان علمت علیه سوء سترته علیه چنانچه بر عیب همسایه ات آگاه شدي باید آن را مخفی داری .

اجازه به هنگام ورود

از جمله حقوقی که همسایگان بر عهده یکدیگر دارند اجازه گرفتن به هنگام ورود به منزل یکدیگر و استیناس است .

یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها

اي آن كسانيكه كه ايمان آورديد داخل مشويد در خانه هايي كه غير خانه خودتان است تا آنكه دستوري طلبيد و سلام كنيد بر اهلش .

كلمه انس به هر چيز و بسوي هر چيز به معنای الفت گرفتن به آن و آرامش يافتن قلب به آن است و كلمه استيناس عملي است كه به اين منظور انجام شود مانند استيناس براي داخل شدن به خانه بوسيله نام خدا بردن و يا ياالله گفتن و امثال آن ... تا صاحبخانه بفهمد كه شخصي ميخواهد وارد شود و خود را براي ورود او آماده كند . چه بسا ميشود كه صاحبخانه در حالي قرار دارد كه نميخواهد كسي او را به آن حال ببيند و يا از وضعي كه دارد با خبر شود از اينجا معلوم ميشود كه مصلحت اين حكم پوشاندن عورات مردم و حفظ احترام ايمان است . پس و قتي شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غير استيناس كند و صاحبخانه را از استيناس خود آگاه سازد و بعد داخل شده و سلام كند در حقيقت او را در پوشاندن آنچه كه بايد بپوشاند كمك کرده و نسبت به خود ايمنش داده و معلوم است كه اين شيوه پسندیده مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومي بر اظهار جميل و ستر قبيح است . جمله ذلکم خير لكم لعلکم تذكرون هم اشاره به همین فواید است . يعني شايد با استمرار بر اين سيره متذكر وظيفه خود بشويد كه اموري را بايد رعايت كنيد و چگونه سنت اخوت را ميان خود احياء سازيد و در سايه آن قلوب را مألوف با هم نموده به تمامي سعادتها ي اجتماعي برسيد .

عواقب آزار همسايه

ضرورت رعايت حقوق همسايه را ميتوان از سفارش ائمه به حقوق ايشان در روايات متعددي به دست آورد علي عليه السلام در آخرين و صايعاي خود چنين ميفرمايد:

الله الله في جيرانكم فانهم وصيه نبيكم مازال يوصي بهم حتي ظننا انه سيورثهم .

از خدا بترسيد از خدا بترسيد درباره همسايگان كه همواره مورد سفارش پيامبرتان بوده اند آن حضرت بقدري در باره آنان سفارش ميكرد كه گمان ميبرديم براي ايشان ميراثي قرار خواهد داد يعني دستور خواهد داد كه همسايه از همسايه ارث ببرد . آزار رساندن به ديگران اعم از همسايه ها و غير آنها از اموري است كه قبل از هر چيز با فطرت آدمي ناسازگار است و هيچ عقل سليمي آن را نمي پسندد . به رسول خدا صلي الله عليه واله عرض شد فلان زن روزها روزه ميگيرد و شبها به نماز مي ايستد و صدقه ميدهد ولي همسايه خود را نيز با زبانش مي آزارد . حضرت فرمود:

لا خير فيها هي من اهل النار .

خيري در او نيست او اهل آتش است .

امام صادق عليه السلام نيز آزار دهنده به همسايه را از رحمت خدا دور ميداند:

ملعون ملعون من اذي جاره .

از رحمت خدای دور است از رحمت خدای دور است آنكه همسايه اش را بيازارد .

اسلام نه تنها پيروان خود را از همسايه آزاري باز داشته بلكه براي همسايه آزار ارج و حرمتي قائل نشده و دستور داده با وي برخورد كنيد و او را بيدار كنيد .

امام باقر علیه السلام فرمود: شخصی از آزار همسایه اش نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله شکایت کرد حضرت او را امر به صبر نمود بار دیگر نیز به شکایت آمد حضرت باز هم او را به خویشتن داری دعوت کرد بارسوم آمد و شکایت خود را تکرار نمود پیامبر فرمود: چون روز جمعه شود زمانی که مردم برای نماز جمعه میروند اثاثیه ات را از منزل خارج کن و بر سر راه مردم بیاور چون از تو علت اینکار را جویا شدند ماجرای خود را برای آنان بازگو کن آن شخص به دستور پیامبر صلی الله علیه و اله عمل کرد چون ساعتی گذشت همسایه ای که آزارش میداد سراسیمه نزد او آمده از او خواست اثاثیه اش را به منزل باز گرداند و گفت با خداوند عهد میکنم که دیگر تورا نیازارم.

در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل شده که در یکی از روزها سه بار فرمود: والله لا یومن به خدا سوگند کسی ایمان ندارد ...

یکی پرسید: چه کسی؟ پیامبر صلی اله علیه و اله فرمود: الذی لا یأمن جاره بوائقه کسی که همسایه او از مزاحمت او در امان نیست .

غفلت از حال همسایگان و بی توجهی به حقوق آنان از اموری است که در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته و از آن به زشتی یاد شده است. پیامبر بزرگوار اسلام کسی را که خود سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد مؤمن نمیداند :

ما امن بی من باب شعبان و جاره جائع .

به من ایمان نیاورده کسی که با شکم سیر بخوابد در حالی که همسایه اش گرسنه باشد .

از امام صادق علیه السلام نقل شده که پس از جدایی حضرت یعقوب و فرزندش یوسف فرزند دیگرش بنیامین نیز از او جدا شد این پیامبر بزرگ روزی در حال مناجات به درگاه خداوند عرض کرد بار الها دوری از یوسف و نابینایی مرا کم بود که بنیامین را نیز از من گرفتی؟ به او وحی شد ای یعقوب من اگر فرزندان را میرانده باشم برایت زنده میکنم و به تو برمیگردانم ولی آیا به یاد داری که در فلان روز گوسفندی گشتی و آن را کباب نموده با اهلت خوردی و به فلانی و فلانی که همسایه تو و روزه دار بودند چیزی ندادی؟ کنایه از این که این بلا بسبب بی توجهی تو به آن همسایه است .

ای که بر مرکب رهوار سواری هشدار

خر هیزم کش همسایه تپیده به گل است

آتش از خانه همسایه درویش خواه

کانچه برروزن او میگذرد دود دل است

رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: هر که همسایه خود را آزار کند حق تعالی بوی بهشت را براو حرام گرداند و مأوای او جهنم باشد .

رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند هر که از همسایه اش بقدر يك و جب از زمین خیانت کند خدای تعالی آن زمین را تا طبقه هفتم طوقی گرداند و در گردن او اندازد تا چون او را به مقام حساب آورند طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد .

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در روز قیامت از گناهان او در گذرد .

آثار نیکی به همسایه

رفتار نیک همسایگان با یکدیگر میتواند سرچشمه برکات فراوانی باشد از جمله:

1. آرامش روانی و طول عمر : تقویت روحیه همکاری و تعاون در جهت پاکیزه و آباد نگه داشتن محیط زندگی یکی از این برکات است که خود آرامش روانی و طول عمر انسان را در پی دارد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود : حسن الجوار یعمر الدیار و یزید فی الأعمار

همسایه داری نیکو شهرها را آباد و عمرها را طولانی میکند

2. ازدیاد روزی : حسن الجوار یزید فی الرزق . همسایه داری نیکو روزی را زیاد میکند

3. آمرزش گناهان : من مات و له جیران ثلاثه کلهم راضون عنه غفر له

هر کس بمیرد در حالی که سه همسایه داشته باشد و همگی از او راضی باشند آمرزیده میشود .

نیاز به همسایه

همیشه در زندگی اوقاتی پیش می آید که انسان به کمک همسایه نیاز پیدا میکند در جایی که هیچک از اقوام برای یاری به او حضور ندارند بنابراین چه خوب است که برخورد ما با همسایگان نیکو باشد تا در مواقع لزوم بتوانیم از آنها کمک بطلبیم .

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در بیماری به دیدن صعصعه بن صوحان که از بزرگان اصحاب آن حضرت بود تشریف آوردند پس فرمودند: با اینکه من به عیادت تو آمدم فخر نکن بر قوم خود و اگر ایشان را در امری ببینی خود را از آن امر به کنار بگیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و به ایشان محتاج است و اگر یاری ایشان نکنی یاری از ایشان منع کرده ای و یاریهای بسیار را از خود رد گردانده ای. پس اگر ایشان را در حال خوبی ببینی یاری ایشان بکن برای آن امر و اگر در بلایی باشند ایشان را وانگذار و باید که یاری کردن شما یکدیگر را در طاعت خدا باشد. به درستی که همیشه بارفاه و نعمت خواهید بود اگر یاری یکدیگر را بکنید در طاعت خدا و باز ایستید از معصیت خدا .

و در حدیث معتبر منقولست که اسیری چند رابه نزد حضرت رسول صلی الله علیه و اله از کافران آوردند پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند در آن حال جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد صلی الله علیه و اله این اسیر که میخواهی گردنش را بزنی به مردم طعام میخورانید و مهمانداری میکرد و خرجها نیکه در میان قبیله واقع میشد میداد و بارهای گران اهل خود را بردوش خود برمیداشت. پس حضرت به آن اسیر فرمودند که حق تعالی چنین

وحي فرستاده و من تورا آزاد كردم از كشتن به سبب اين خصلتها. آن اسير گفت كه پروردگار تو اين خصلتها را دوست ميدارد فرمود: بلي . اسير گفت: شهادت ميدهم به وحدانيت خدا و به پيغمبري تو به حق آن خداوندي كه تورا به راستي فرستاده است كه هرگز از مال خود كسي را بر نگردانیده ام .

تضاد و تزامم بين همسايگان

تضاد و تزامم نيز از پيامدهاي زندگي اجتماعي است و وقتي گروهی با هم در يك محيط زندگي ميکنند ممكن است بي مبالايي و كم توجهي بعضي به آداب اسلامي، سبب سلب آسايش ديگران گردد و موجب آزردي آنان شود و اين خود زمينه ساز كدورتها و نزاعهاي بعدي شود. در اينصورت شايبسته است طرفي كه مورد كم لطفي همسايه خود واقع شده تا ميتواند آزار همسايه را براي رضاي خدا تحمل كند و چنانچه ناچار به نشان دادن واكنش شد بارويي گشاده و زباني نرم به وي تذكر دهد به طوري كه اين تذكر موجب اصلاح وي شده و در ضمن رنجش خاطر او را هم در پي نداشته باشد .

امام كاظم عليه السلام در اين باره فرمود :

ليس حسن الجوار كف الاذي و لكن حسن الجوار الصبر علي الاذي

همسايه داري نيکو به آزار نرساندن نيست بلکه همسايه داري نيکو در صبر بر آزار همسايه است .

فرهنگ آپارتمان نشيني در ايران

فرهنگ آپارتمان نشيني چيست ؟

در واقع فرهنگ همسايه داري يا آپارتمان نشيني همان هنجارها و ارزشها ويا امور مادي است كه براي افراد همسايه معقول و ارزشمند مي باشد و افكار و احساسات و رفتار آنها را شكل داده ويا به نوعي تحت تأثير قرار ميدهد. اين هنجارها همگي در ارتباط با برخورد با همسايگان ميباشد كه البته گاهي ممكن است هنجارها و ارزشها ي افراد معقول و مطابق با شرع نباشند . به طور كلي از آنجائي كه ما مسلمان هستيم و اسلام دين كاملي است و در تمام زمينه هاي فردي و اجتماعي براي انسانها دستوراتي دارد لذا هنجارها و ارزشهاي مورد قبول ما بر طبق دستورات اسلام خواهد بود كه خود مطابق عقل نيز مي باشد. البته مانمي توانيم ادعا كنيم كه تمام اين دستورات در رفتار ما تعين پيدا کرده است زيرا واقعيت چيز ديگري را بيان ميكند اما در هرحال دستورات اسلام در اين زمينه مورد قبول عموم بوده و حتي مطابق قانون ودر برخي موارد با كساني كه رفتاري ضد آن داشته باشند برخورد خواهد شد .

بررسي وضعيت كنوني

در زندگي آپارتماني ايران فرهنگ خاصي حاكم است كه تا حدودي از شرع و قانون نشأت گرفته است. اما متأسفانه بيشتر افراد آن را زير پا ميگذارند و موجب ميشوند كه حقوق ديگران ضايع و پايمال شود. منازل آپارتماني به جهت ارتباط نزديكي كه خانه ها با يكدیگر دارند همچنين وجود خانه هايي فوق يكدیگرند مراعات حال همسايگان حالت ظريفترى به خود

میگیرد. مثلاً از آنجائی که هر خانواده مستقلاً حق دارد که رفت و آمد های خاص خود را داشته باشد باید دقت کند که این رفت و آمدها و مهمانیهای شبانه در اوقاتى نباشد که عادتاً دیگران در آن زمان مشغول استراحت هستند. چرا که رفت و آمد افراد روی پله ها سر و صداي زيادى را ایجاد میکند که محل آسایش دیگران است. از سوي ديگر بلند صحبت کردن در راه پله ها عاملی است که غالباً به آن کم توجهی میشود و خود موجب آزار دیگران را فراهم می کند. برخي از افراد آنقدر صدای ضبط یا تلویزیون خود را بلند میکنند که در آسایش و آرامش دیگران ایجاد اخلاص میکند. اخيراً دیده شده که برخی از اعضای آپارتمانها برای تبدیل خانه خود به سبک امروزي تصمیم به تخریب صورت قبلي خانه گرفته و به اصطلاح خود دیوار آشپزخانه را کوتاه میکنند و یا شومینه نصب میکنند که ماهها صدای گوش خراش تیشه و تبر گوش همسایگان را می آزارد.

از سوي ديگر خانواده هاي بچه دار نیز خود به نوعي موجب آزار دیگران میشوند چرا که کودکان آنها با بازی های پرسر و صدا و دویدن موجب آزار همسایه ها در طبقه پایین تر میشوند.

مشکل دیگر مسأله نظافت ساختمان است. از آنجائیکه همه ساختمانها مأمور مخصوص برای نظافت ندارند لذا در بسیاری از مجتمعها مشکل جارو کردن و نظافت آپارتمان وجود دارد و افراد همکاری لازم را در این زمینه به عمل نمی آورند. حتي گاهي اوقات در آبیاري درختان نیز با یکدیگر مشکل دارند و هر کس این مسئولیت را به عهده دیگری می اندازد. البته مشکلات آپارتمان بسیار بیشتر از این است. و لیکن فرهنگ همسایه ها، محل آپارتمان و حتي نوع معماری ساختمان تا حدود زیادی در حل این مشکلات مؤثرند.

علل افت فرهنگ آپارتمان نشینی

همان گونه که قبلاً ذکر شد فرهنگ حاکم بر اندیشه ما فرهنگی اسلامی است و اسلام در تمام زمینه ها و خصوصاً برخورد به همسایه راهکارهای مناسبی ارائه داده است. اما اینکه چرا ما به این راهکارها عمل نمی کنیم دلایل مختلفی دارد. شاید مهمترین عامل عدم رعایت حقوق دیگران، بی اطلاعی از عواقب رعایت نکردن حقوق و حتي نا آگاهی نسبت به حقوق همسایه باشد. و شاید رعایت این حقوق در جامعه از ضمانت کافی برخوردار نیست. لذا افرادی با وجود اطلاع از حقوق همسایگان نفع آنی را ترجیح داده و حقوق افراد را زیر پا میگذارند. البته علل و عوامل زیاد است اما ما در اینجا به برجسته ترین آنها اشاره کردیم. اما راهکارهایی در این زمینه به ذهن می رسد که میتواند در نهادینه کردن فرهنگ صحیح آپارتمان نشینی مؤثر باشد.

عوامل ارتقاء فرهنگ آپارتمان نشینی

این عوامل از مجموعه ای از کارهای فرهنگی و حتي قانوني تشکیل شده که به ذکر آن میپردازیم. شاید بهترین اقدام در این زمینه آگاه کردن افراد به حقوقی باشد که در شرع و قانون ذکر شده و با اجرای آن حقوق همسایگان از آزار یکدیگر در امان خواهند بود.

شیوه خاص ساختمان سازیها گاهی کاملاً اشتباه می باشد و بجای اینکه به آسایش افراد توجه شود به زیبایی آن پرداخته اند. از جمله قراردادن درهای رفت و آمد دو خانواده در کنج دیوار بطوری که اگر هر دو همزمان از خانه خارج شوند به یکدیگر برخورد خواهند کرد.

اگر ساختمانها طوری ساخته شوند که تأسیسات مربوط به آب و برق همسایگان با کنتور جداگانه ای نصب شود علاوه بر اینکه جلو اختلافات زیادی را میگیرد بلکه عده ای با مصرف زیاده از حق، خرج زاندي را بر مخارج سایر خانواده ها تحمیل نمی کنند.

برای نظافت آپارتمان میتوان نوبت گذاشت تا در پاکیزگی محیط اخلاقی ایجاد نشده و همه افراد نیز در این زمینه همکاری داشته باشند.

یکی از کارهای مؤثر و مفید در این زمینه تعیین مدیر ساختمان و تشکیل جلسات متعدد با حضور اعضای ساختمان است. مدیر میتواند فعالیت اعضاء را کنترل کرده و به آن انتظام بخشد. از طرفی با متخلفین برخورد کند.

جلسات منظم ماهانه و یا هفتگی با حضور تمام همسایگان میتواند آنها را با مشکلات ساختمان آشنا ساخته و وادار به چاره جویی در جهت حل آن نماید. مدیر ساختمان میتواند فردی مطمئن خارج از افراد ساختمان باشد که ماهیانه مبلغی از طرف همسایگان به او پرداخت میشود و او در عوض هماهنگی امور ساختمان را به عهده میگیرد. حتی این مراقبت میتواند 24 ساعته و به نوبت با فرد دیگری صورت گیرد تا در ضمن ورود و خروج افراد نیز کنترل شود.

یکی از راهکارهای مؤثر برای وادار کردن افراد به رعایت حقوق همسایگان برخورد قانونی با فرد متخلف میباشد. که البته در مرحله اول با تذکر و امر به معروف و در مراحل بالاتر با اطلاع دادن به پلیس میتوان به مشکل پایان داد. در هر حال بهترین کار آگاه کردن افراد و تبلیغات در این زمینه است که میتواند توسط آموزش و پرورش و مربیان و روحانیون و خصوصاً صدا و سیما و... صورت گیرد آموزشهای عمومی در درازمدت همیشه اثر مطلوبی بجا گذاشته اند.

گردآوری: فاطمه آذر مهر

استاد راهنما: خانم رحمت آبادی

مدرسه علمیه نرجس علیها سلام- مشهد مقدس

فهرست منابع

1. قرآن کریم
2. حاجی ده آبادی، محمد علی، مدیریت فرهنگی، چاپ اول تابستان 82 انتشارات امام
3. دهخدا، ج 5 و 2، چاپخانه مجلس
4. شیر، عبد الله، اخلاق، مترجم محمد رضا حاجیان، قم چاپ 6، سال 1380
5. شوننور، نوربرت، مسکن حومه و شهر، ترجمه شهرام پور دیهیمی، روزنه چاپ اول 80
6. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج 8 و 15، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی پاییز 1363

7. علي بن الحسين امام چهارم، صحيفه سجاديه، فارسي عربي، ترجمه حسين انصاريان، چاپ نهم، تهران پيام آزادي 1379
8. عميد، حسن، فرهنگ فارسي، تهران، امير كبير، چاپ سيزده 1358
9. معين، فرهنگ معين
10. مقدس نيا، سيد محمد، محمدي، محمد مهدي، آداب معاشرت، قم، پيك جلال، چاپ دوم تابستان 79
11. معاديخواه، عبد المجيد، فرهنگ افتاب، ج 9، نشر ذره 1374
12. مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، دار الكتب الاسلاميه، چاپ 9 1370
13. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، ج 74 و 78 مكتبه الاسلاميه
14. مجلسي، محمدباقر، حليه المتقين، تهران آرمان خرداد 63
15. نراقي، احمد، معراج السعاده، تهران رشيدى چاپ اول 1362
16. نوري طبرسي، حسين، مستدرک الوسائل، ج 8 قم ال البيت
17. واسطي، عبد الحميد، راهنماي تحقيق، چاپ دوم 1382 انتشارات دار العلم قم